

## شهید دکتر مصطفی چمران

### از نگاه معلم و مرشد\*

برای شناخت بهتر و بیشتر دکتر چمران توفیق یافتیم با آقای مهندس بازرگان مصاحبه‌ای داشته باشیم، که عیناً درج می‌گردد.

**سؤال:** شهادت دلاورانه‌ی دکتر مصطفی چمران وزیر دفاع دولت موقت را به جناب عالی تسلیت و تبریک می‌گوییم. ضمن آنکه خواهش می‌کنیم خاطراتی را که از آن مرحوم دارید، برای خوانندگان هفته‌نامه‌ی مردم ایران (جاما) نقل فرمایید. این را هم می‌خواستیم بپرسیم چرا با وجود اینکه دکتر چمران همیشه افتخار به شاگردی شما می‌کرد و عضو نهضت آزادی ایران بود، لیکن شما اعلامیه و اطلاعیه‌ای در شهادتش ندادید؟

**جواب:** اولاً بنده نیز افتخار به داشتن چنان دانشجوی قدیمی و دوست و همکار نازنین می‌نمایم. ثانیاً قبل از هر کس نهضت آزادی و بنده اطلاعیه‌ی تسلیت و شهادت را برای خبرگزاری پارس و رادیو و تلویزیون دادیم. ولی از آنجا که آقایان متولیان و انحصارگران، دستگاه‌های دولتی را ملک به غنیمت گرفته‌ی خود می‌دانند، اجازه نمی‌فرمایند چیزی که نام و نشان از ماها و از نمایندگان اقلیت داشته باشد، حتی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردد. یقیناً فکر می‌کنند که با اسم و صدای ما مملکت متشنج خواهد گشت. شاه و ساواک هم همین نظر و وحشت را نسبت به ما داشت.

---

\* مصاحبه با مهندس بازرگان به مناسبت شهادت دکتر مصطفی چمران به نقل از نشریه‌ی جاما، ۱۳۶۰/۴/۴.

**سؤال: شهید چمران را از چه زمان شناختید و چه روابطی با ایشان داشتید؟**

**جواب:** آشنایی و ارتباط من با شهید چمران از دانشکده‌ی فنی در حدود سال‌های ۱۳۳۲ شروع شد. ایشان هم‌درس با مهندس امیرانتظام بود و یکی از پر استعدادهای شاگردان آن دانشکده بود. من در اول شیفته‌ی خط و انشاء و نقاشی ایشان شدم و به‌زودی دیدم این جوان برخلاف معمول، هم در دروس نظری برجسته است و هم در دروس عملی دانشکده و علاوه بر آن، مسلمانی خدمت‌گزار و باایمان و با معرفت می‌باشد. وی از اعضای علاقه‌مند انجمن اسلامی دانشجویان و بعدها انجمن اسلامی مهندسين شد و به این ترتیب با یکدیگر همکاری نزدیک پیدا کردیم، که تا لحظه‌ی شهادتش ادامه یافت.

**سؤال: آیا مرحوم چمران در آن ایام فعالیت سیاسی نیز داشت؟**

**جواب:** به اقتضای زمان و در برابر گروه‌های چپی، چمران در جرگه‌ی ملی‌یون طرفدار دکتر مصدق و فعالین برای نهضت ملی شدن نفت قرار می‌گرفت. ولی یادم نیست که در هنگامی که برای مأموریت برای خلع‌ید از شرکت نفت رفته بودیم، از ایشان استفاده شد یا نه. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جزء گروه‌های مسلمان نهضت‌مقاومت ملی بود و سپس به تدریج که امکانات عمل و دایره‌ی فعالیت و مقاومت در ایران تنگ می‌شد، جوانان پرشور و داغ‌ما، راهی مصر و فلسطین و اروپا و آمریکا می‌شدند.

**سؤال: در خارج از ایران چمران چه فعالیت‌هایی داشته است؟**

**جواب:** چمران مانند عده‌ای دیگر از دانشجویان به آمریکا رفت و آنجا سفری به مصر و فلسطین برای فراگرفتن تعلیمات نظامی چریکی، شورشی و ضد دولتی نمود. در آمریکا آن‌طوری که عقیده و رویه‌ی دوستان بود، هم تکمیل معلومات مهندسی و تأمین معاش می‌نمود و هم در راه اسلام و ایران فعالیت می‌کرد. دکتری در مهندسی را در آنجا گرفت و در مهم‌ترین مؤسسات صنعتی و تحقیقاتی با موضع درخشان کار می‌کرد؛ و با یک خانم آمریکایی که بعداً مسلمان و جزو مخالفین سرسخت شاه و طرفدار مبارزین ایران گردید، ازدواج نموده، صاحب ۴ فرزند شد. در ابتدای ورود به آمریکا به تبلیغ و پخش کتاب‌های شرکت انتشار پرداخته و برای تأسیس انجمن اسلامی ایرانیان در آمریکا زحمت فراوانی کشید.

به تدریج که فعالیت محصلین مقیم در آمریکا زیاد می‌شد و شاه و ساواک را مستأصل می‌کرد، دولت ایران با سفارتخانه‌ی ایران به دکتر چمران فشار آورد تا دست از فعالیت سیاسی بردارد و از طرفی به ایشان پیشنهاد شد که می‌تواند در کمپانی بل‌تلفن در یک پروژه‌ی اتمی با حقوق و مقام بالا استخدام شود، به شرط آنکه دست از فعالیت‌های مبارزاتی بردارد. طبیعی است که چمران دین و میهن خود را به دنیا و زندگی مرفه در آمریکا نفروخت، سهل است که مصمم‌تر به ادامه‌ی مبارزه بر علیه استبداد و استیلا و کمک به برادران فلسطینی و فداکردن زندگی خانوادگی خود شد و خانمش را هم طلاق داد.

**سؤال:** چطور شد که مرحوم چمران به لبنان رفت و از آنجا آیا با شما ارتباط داشت؟  
**جواب:** در یک جلسه‌ی مهمانی که به افتخار و برای دیدار با آقای موسی صدر که در ده یا دوازده سال قبل دایر شده و از بنده هم دعوت کرده بودند، آقای موسی صدر به‌طور خصوصی شمه‌ای از اقدامات خود در لبنان را برای بالابردن سطح فرهنگی و اقتصادی شیعیان آنجا تشریح کرده و گفت قصد دارد یک مجتمع حرفه‌ای و تربیتی دایر نماید و از بنده راهنمایی خواست. بنده گفتم بهترین شخص که هم مهندس باشد هم متدین و هم مبارز و به درد شما بخورد، مصطفی چمران است. ایشان در مراجعت به لبنان از چمران دعوت کرد و این عقد و پیمان به بهترین وجه در منتهای صداقت و صمیمیت بین آنها بسته شد. چمران خوشحال بود که با این کار خود جوانان شیعه‌ی لبنان را سربازان سربلند نجات فلسطین خواهد کرد و برای امام موسی صدر نیز هم مدیر و مشاور شد و هم راهنمای نظامی در نهضت محرومین و فرماندهی عملیات چریکی و گرداننده‌ی گروه نظامی امل نیز بود.

بنده دورادور از کارها و جان‌بازی‌ها و گرفتاری‌های چمران در آنجا، مطلع می‌شدم و یکی دو بار اطلاعات و مقالات آموزنده در تشریح اوضاع سیاسی لبنان و مخصوصاً شیعیان و اینکه چگونه فداکاری می‌کنند و بیش از خود فلسطینی‌ها در معرض ضربات اسرائیلی‌ها و چپی‌های فلسطینی و احزاب سیاسی قرار دارند، تشریح می‌کرد. مخالفت‌های عجیب و دشمنی‌های آقای جلال‌الدین فارسی با امام موسی صدر و با دکتر چمران نیز از همان ایام و مخصوصاً بعد از پادرمیانی‌های امام موسی صدر بین لبنانی‌ها و سوریه آغاز شد؛ تا آنجا که بنده اطلاع پیدا کردم.

مقالات و گزارشات دکتر چمران راجع به لبنان و شیعیان را روزنامه‌ی پیام مجاهد - نشریه‌ی نهضت آزادی خارج از کشور - در آمریکا منتشر می‌کرد.

**سؤال: در انقلاب اسلامی ایران آن شهید بزرگوار چه نقشی داشت؟**

**جواب:** در پیروزی انقلاب و مأموریت دولت موقت بود که ایشان برای ادای وظیفه و مخصوصاً تدارک و ترتیب جنگ‌های چریکی به ایران آمده بود. بنده دست به دامانش شدم و خواستم معاونت نخست‌وزیر در امور انقلاب را قبول نماید. ایشان به این شرط قبول این همکاری را کرد که از هدف اصلی‌اش دور نشود. از آن زمان چمران درگیری‌های نظامی بعدی و ضرورت تأسیس سپاه انقلاب و گروه‌های ضربتی و چریکی مؤمن و فداکار به انقلاب را پیش‌بینی می‌نمود.

**سؤال: آیا در این زمینه ایشان امکان و میدان عمل پیدا کرد؟**

**جواب:** متأسفانه به آن اندازه که انقلاب اسلامی ایران احتیاج و ایشان آمادگی و شوق داشت، خیر! همان‌طور که می‌دانید، از ابتدای دولت موقت در اثر رقابت‌ها بر سر قدرت و روح انحصارگری، کارشکنی‌های زیادی علیه کسانی که مخلص و مطیع مطلق به آنها تبلیغات خائنه و تهمت‌های ناجوانمردانه‌ای علیه دکتر چمران و دیگر همکاران بنده از ناحیه‌ی چپی‌ها و سپس بعضی افراد غیرعادی یا متعصب مدعی انقلاب و اسلام! به عمل می‌آمد. در همان ایام که ایشان جان‌برکف در سندان و پاوه و سردشت و ارومیه می‌جنگید و به ارتشیان و پاسداران و داوطلبان، روحیه و ایمان و تعلیم و تربیت نظامی می‌داد، این دوستان و مدعیان خدمت و این دشمنان ظاهراً دوست، از تکرار و استمرار بر اینکه چمران مزدور آمریکا و جاسوس موساد و سیا است، دریغ نداشتند. در شورای انقلاب و شورای عالی دفاع نیز محیط و روی مساعدی برای چمران و گروه‌های بی‌ریا و فداکار ایشان و برای جنگ‌های نامنظم وجود نداشت. ولی چمران با ایمانی خالص، دلی پرشور و جسمی خستگی‌ناپذیر، از این جبهه به آن جبهه، از این مهلکه به آن مهلکه می‌شتافت و به استقبال لقای خدای لایزال و نجات‌کشورش رفته و بالاخره به درجه‌ی اعلای شهادت رسید، و موفق به وصال جانان گردید. خدا او را رحمت کند و برنامه‌اش و خدماتش را پیروز بگرداند.

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»